

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۰۲ فبروری ۲۰۲۳



محمد محق

افغانستان، سرزمین الهه‌های گمنام و خاموش

گزارش‌ها و ویدیوهایی که از الهه دلاورزی و بستگانش به فضای مجازی رسید گوشه‌ای از وضعیت دردناک و فاجعه‌بار حقوق بشری در افغانستان را بر آفتاب افکند. هنوز همه جوانب قضیه یاد شده با تمام کیف و کان آن روشن نشده است، زیرا گروه حاکم اجازه نمی‌دهد تحقیقات آزاد صورت بگیرد، رسانه‌ها نمی‌توانند به آزادی در باره آن گزارش تهیه کنند، نهادهای مدنی مدافع حقوق زنان دیگر اجازه فعالیت ندارند و مسئولین دستگاه عدلی و قضائی فاقد استقلال و بلکه دست نشانده گروه حاکمند و سیاست حاکمان، بر اساس فرمان صریح امیرالمؤمنین شان این است که انتقادی از اعمال رهبران و مسئولان رژیم آنان نباید در افکار عمومی مطرح شود. در چنین وضعیتی تشخیص حقیقت به سخت‌ترین کار ممکن تبدیل می‌شود.

یکی از پرسش‌های اساسی مربوط به این موضوع این است که آیا الهه یگانه قربانی وضعیت کنونی است؟ آیا دختران دیگری در افغانستان در معرض این تاراج و چپاول قرار ندارند؟ آیا زنان دوم و سومی که رهبران و فرماندهان طالبان در این مدت اندک گرفته‌اند همه در سن قانونی ازدواج قرار داشته و ازدواج شان به رضایت و خوشنودی دختران صورت گرفته است؟ آیا مناطقی که زیر چکمه‌های هزاران جنگجوی طالبان به بهانه بغاوت مورد مجازات قرار گرفته از این تعرضات مصون مانده‌اند؟ گزارش‌ها از منابع محلی می‌رساند که نه تنها طالبان، بلکه افزون بر آنان، تروریست‌های خارجی موجود زیر پرچم طالبان، یکی از غنایمی که به آن دل بسته‌اند دختران مردم افغانستان است. طبق این گزارش‌ها، دلایان محلی طالبان به افراد انصار الله تاجیکستان، تحریک اسلامی ازبیکستان و سایر جنگجویان خارجی اعلان کرده‌اند که تأمین زن و خانه برای آنان را تضمین می‌کنند، خصوصاً که شرایط فقر و تنگدستی خانواده‌های فراوانی را در افغانستان از این بابت آسیب‌پذیر ساخته است.

آنچه بر دشواری قضیه می‌افزاید و احتمال افزایش این جنایت‌ها را بالا می‌برد، علاوه بر رویکرد امنیتی حاکمان و فقر اقتصادی محکومان، یک عامل فرهنگی ظالمانه است که به دآوری جامعه در برابر قربانیان این حادثه پیوند دارد. در

جامعه افغانستان وقتی زنی مورد تجاوز قرار بگیرد، به جای آن که مجرم و جنایتکار مورد مجازات هنجاری قرار گرفته و احساس شرمندگی کند، قربانیی که با بی‌گناهی در معرض جنایت قرار گرفته است بار سنگین و کمرشکن شرمساری را بر دوش می‌کشد و در معرض انواع قضاوت بی‌جا و ملامت بی‌معنا قرار می‌گیرد. جامعه با این عمل خود در جنایت سهم می‌گیرد و قساوت در حق مظلومان را به اوج می‌رساند. کسی که قربانی شده است تا سال‌ها و چه بسا تا آخر عمر به چشم انسانی معیوب دیده می‌شود، حال آن‌که او هیچ تقصیری در ماجرا و هیچ لکه‌ای بر دامن ندارد. این رویه غیر انسانی به جنایتکاران جرئت می‌دهد تا به شمار بیش‌تری از انسان‌های آسیب‌پذیر جامعه تعرض کنند و زندگی‌های بیش‌تری را در معرض تباهی قرار بدهند.

باید با این وضعیت غیر انسانی و سراسر ستم‌گرانه به مقابله برخاست. باید از قربانیان جرم‌دائی کرد و مجرمان واقعی را به مجازات رساند، مجازات قانونی در برابر محاکم و مجازات هنجاری در برابر اجتماع. باید احساس سرافکندگی را به جنایتکار برگردانید و قربانی را از هر آلودگی و خجالتی میرا دانست. باید به قربانیان جرئت داد که درد خود را آشکارا فریاد، و حق خود را دلیرانه مطالبه کنند. باید در تریبون‌های عمومی، منابر، رسانه‌ها، و شبکه‌های اجتماعی گفت که نه قربانی سزاوار تیر طعنه و ملامت است و نه خانواده‌اش مستحق سرافکندگی و خجالت. سعید خوستی‌ها باید سرافکنده باشند نه الهه‌های کشور.